

## یادداشت

## مأموریت دولت سیزدهم چیست؟

**علی شاملو** - روزنامه‌نگار

● از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران تاکنون، به‌جز سه دولت موقت به ریاست مرحوم شادروان مهندس بارزگان، دولت شورای انقلاب و دولت مرحوم شادروان آیت‌الله مهدوی‌کنی و پس از انفجار دفتر نخست‌وزیری و شهادت شهیدان رجایی و باهنر به‌طور موقت تا انتخابات سومین دوره ریاست‌جمهوری و انتخاب آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به‌عنوان سومین رئیس‌جمهوری کشور و تشکیل سومین دولت رسمی، معمولاً دولت‌ها برای خود یک «مأموریت بزرگ» تعریف می‌کنند. مأموریت یا راهبردی که یک «هدف مشخص» دارد و دولت‌ها برای رسیدن به آن، قوای خود را بسیج می‌کنند.دولت ابوالحسن بنی‌صدر مأموریت بزرگ دولت خود را در ثروت او در میان آحاد جامعه توزیع کند.آیت‌الله خامنه‌ای مأموریت اصلی دولت خود را «قطع ریشه استکبار»، «تامین امنیت کشور» و «تامین «نیازهای جنگ»، اعلام کردند.مأموریت بزرگ پنجمین و ششمین دولت‌های جمهوری اسلامی ایران یعنی دولت‌های مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی «سازندگی» بود و از همان ابتدا و آغاز تشکیل دولت‌ها مأموریت و برنامه اصلی خود را سازندگی تخریب‌های پس از جنگ تعریف کرده بود.مأموریت بزرگ سیدمحمد خاتمی که هفتمین و هشتمین دولت‌های پس از انقلاب اسلامی را تشکیل داد، «توسعه سیاسی» بود. خاتمی تلاش کرد که از طریق اعطای آزادی بیشتر به جامعه، تقویت نهادهای مدنی و مطبوعات کشور در مسیر توسعه سیاسی قرار گیرد.مأموریت بزرگ دولت‌های نهم و دهم که به ریاست محمود احمدی‌نژاد تشکیل شد، «آوردن نفت سر سفره مردم» بود و احمدی‌نژاد تلاش کرد رانت در آمد نفت را میان مردم توزیع کند.دولت‌های یازدهم و دوازدهم که به ریاست حسن روحانی تشکیل شد، مأموریت بزرگش «تعامل با جهان و حل مسئله هسته‌ای» بود. روحانی تلاش کرد از طریق بهبود رابطه با جهان کشور را در مسیر توسعه قرار دهد. و اما سوآلی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که مأموریت دولت سیزدهم چیست یا دولت سیزدهم چه برنامه، هدف و مأموریتی برای خود تعریف کرده است؟به نظر می‌رسد با سپری‌شدن چهار ماه از تشکیل این دولت و با وجود وعده‌ها و شعارهایی که این دولت در ایام انتخابات ریاست‌جمهوری و در تبلیغات داد، مقهور تعدد مسائل شده است و هنوز توانسته به تصمیم‌گیری بزرگ برای مأموریت و هدف دولت خود برسد. این دولت متأسفانه مأموریت مهمی را برای خودش تعریف نکرده است و مردم، کارشناسان و مخاطبان آن هنوز نمی‌دانند اولویت اجپایی و مأموریت اصلی این دولت چیست؟ این دولت در قیاس با دولت‌های بعد از انقلاب بیستین‌سهم را به بوروکرات‌هایی داده که فاقد هرگونه نظریه بود. و جهان‌بینی‌ای درباره دستگاه تحت اراده خود هستند. البته برخی نشانه‌ها در دولت سیزدهم وجود دارند که عیار سیاست‌گذاری و جهت‌گیری را نشان می‌دهند.دولت سیزدهم مانند دولت‌های نهم و دهم به نمادگرایی علاقه دارد. محمود احمدی‌نژاد نسخه کامل چنین مأموریت بود. یعنی برایش انجام ظاهری کارها مهم‌تر از نتیجه نهایی بود. متأسفانه دولت سیزدهم در برخی زمینه‌ها همان راهی را می‌رود که دولت احمدی‌نژاد رفت. اوضاع اقتصادی کشور به قدری بحرانی است که باید تصمیم‌های بسیار سخت گرفته شود اما دولت سیزدهم نشان داده است که دولت تصمیم‌های سخت نیست.تجربه تصمیم اخیر دولت برای عقب‌نشینی از حذف دلار چهارهزارو ۲۰۰ تومانی به‌خوبی نشان داد آمادگی اتخاذ تصمیم‌های سخت را ندارد. ضعف در سیاست‌گذاری یکی از مهم‌ترین مشکلات دولت سیزدهم است. در رفتار و انتصابات دولت فعلی هیچ نشانه‌ای از تغییر سیاست‌ها یا حتی اراده برای تغییر نمی‌بینیم.دولت فعلی گمان می‌کند تنها مشکل دولت قبلی این بود که مدیرانش صبح‌ها در سر کار می‌رفتند یا شب‌ها زود به خانه بازمی‌گشتند. متأسفانه مدیران دولت جدید از همین ابتدا خیال همه را راحت کرده‌اند که انتظار تغییر در سیاست‌گذاری‌های اساسی را نباید از آنها داشت.دولت سیزدهم به‌وضوح نشان داده است که اعتماد و نزدیکی سیاسی بر هر چیز دیگری در نصب مدیران اولویت دارد. بخشی از مدیران فعلی دولت جدید «خودی» و خوشبایوند هستند.دکتر مسعود نیلی در نقد حکمرانی مشاهده‌محور ابراهیم رئیسی گفته است: حال که آقای رئیسی به استان‌های محروم سفر می‌کند تا از نزدیک به مشکلات این مناطق رسیدگی کند، بد نیست سفری هم به استان محروم اقتصاد کلان داشته باشد.حال دولت سیزدهم و شخص ریاست محترم جمهوری باید هرچه زودتر بدون کار شعاری مأموریت اصلی و جهت خود را مشخص کند تا هم خود و هم مردم از این بی‌نظمی، بی‌برنامگی و کلافگی خارج شوند. بی‌شک نبودن برنامه و مشخص نبودن مأموریت و جهت، باعث می‌شود دولت سیزدهم سرنوشتش به سرنوشت دولت‌های نهم و دهم منجر شود که این امر خوشایند کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران نیست.

اختلاف نیروهای اصلاح‌طلب با اکبر هاشمی‌رفسنجانی سابقه‌ای طولانی دارد، خاصه در میانه دهه ۷۰ و با روی‌کارآمدن دولت سیدمحمد خاتمی و متعاقب آن تشکیل جبهه مشارکت که نیروهای چپ رویارویی تاریخی خود با هاشمی را علنی کردند که اوچش را می‌توان در نوشتن کتاب‌هایی مانند عالیجناب سرخ‌پوش و عالیجناب خاکستری، تاریک‌خانه اشباح و البته پدرخوانده مشاهده کرد. این تفکر در عرصه سیاسی نیز رخ نمود؛ چنان‌که هاشمی در انتخابات مجلس ششم نفر آخر تهران شد. انتخابات مجلس که برگزار شد، هرچند مردم به‌صورت لیستی رأی ندادند، اما اصلاح‌طلبان توانستند اکثریت مجلس را در اختیار بگیرند و هاشمی در این میان توانست نفر سی‌ام تهران شود. این پایان ماجرا نبود و اختلاف‌های وزارت کشور و شورای نگهبان باعث شد حدود سه ماه بعد، فهرست جدیدی از راه‌افتگان به مجلس ششم ارائه شود که بر اساس آن، هاشمی به رتبه بیستم‌منتخبان تهران ارتقا یافته بود؛ اما او در میان انتقادهای اصلاح‌طلبان به‌تغییر‌منتخبان تهران و البته مشاهده جوالب مجلسی که به‌حتمل نمی‌توانست در چنان مجلسی ریاست را بر عهده بگیرد و به ناچار باید پایین می‌نشست، ترجیح داد پیش از تشکیل مجلس ششم انصراف خود را از نمایندگی اعلام کند. حالا و بعد از گذشت ۲۲ سال از آن رویدادها، محمد هاشمی، برادر اکبر هاشمی‌رفسنجانی، در گفت‌وگویی با سایت «خبر سراسری» گفته است در آن زمان برخی اصلاح‌طلبان در مجلس ششم گفته بودند اگر هاشمی در انتخابات مجلس رأی بیاورد، اعتبارنامه‌اش را رد می‌کنیم. او در این‌باره گفته است: «اگر بخوایم ریشه‌ای نگاه کنیم، بعد از پیروزی اصلاح‌طلبان در دوم خرداد و شکل‌گیری حزب مشارکت و مجلس ششم، جهت‌گیری‌ها تند شد و کسانی که در پست‌های کلیدی هم بودند، با نشریه‌های آمریکایی مصاحبه می‌کردند و حرف‌های ساختارشکنانه می‌زدند. در دو سال اول پیروزی آقای خاتمی، اصولگرایان شکستی را که خورده بودند، نامی نر کردند و به قول آقای موحدی‌کرمانی می‌گفتند هنوز نفهمیدیم چه شده و نمی‌دانیم چه باید بکنیم؛ اما نیروهایشان را سازماندهی کردند و ساختاری درست شد که جلوی رفتارهای اصلاح‌طلبان و مشارکتی‌ها را بگیرند و از آنجا مسائل شروع شد و همین‌طور ادامه پیدا کرد. در مجلس ششم نیز دیدید که حتی نسبت به آقای هاشمی چه رفتار ساختارشکنانه از سر غروری انجام دادند و فکر می‌کردند همه کار می‌توانند انجام دهند. حتی آقای تاجزاده و میردامادی در انتخابات صحبت کردند و برخی از اصلاح‌طلبان گفتند اگر هاشمی در انتخابات مجلس رأی هم بیاورد، ما اعتبارنامه او را رد می‌کنیم تا نماینده تهران نشود… در سال ۷۶ روزنامه‌ها را ببینید که چه تیره‌هایی می‌زدند! فقط کافی است مرور کنید. به نظر من عملکرد این طرف باعث رفتار آن طرف شد و مبنای آن

# جدال چپ و راست در بستر اصلاحات

**محمد هاشمی: اصلاح‌طلبان گفتند هاشمی رأی بیاورد، اعتبارنامه‌اش را رد می‌کنیم**



نیز این بود که برای اصل نظام احساس خطر کرده بودند.»

علیزاده‌طباطبایی نیز پیش از این به «مهر» گفته بود: «همان‌طور که می‌دانید، چپ‌ها در دولت آقای هاشمی به‌شدت با ایشان مقابله می‌کردند. همین نیروهای چپ مقابل آقای هاشمی بودند و تا آخر دولت اصلاحات هم در مقابل آقای هاشمی قرار داشتند. علت مخالفت چپ‌ها، این بود که در زمان امام قدرت انحصاری دست چپ‌ها بود. رئیس مجلس سوم بعد از دوره کوتاهی که آقای هاشمی بود، کروی‌ی شد و آقای هاشمی رئیس‌جمهور شدند و در آن مقطع مجلس، درست‌ست در دست چپ بود و از آنجا‌که در مجلس چهارم مقصر حذف خودشان را آقای هاشمی می‌دانستند، می‌گفتند او هاشمی‌رفسنجانی! از ما حمایت نکرد؛ اما آقای هاشمی با توجه به مقدوراتی که داشت، اقدام می‌کرد. آنها زمانی که قدرت را گرفتند، مقابل آقای هاشمی قرار گرفتند.» به هر روی، این اختلاف‌ها با شدت تا پایان دولت اول خاتمی ادامه یافت و حتی در انتخابات سال ۸۴ نیز اصلاح‌طلبان با هاشمی کنار نیامدند و البته با خودشان هم کنار نیامدند که نتیجه آن انتخابات، ورود اصلاح‌طلبان با چند نامزد به انتخابات و در نهایت هم شکست اصلاح‌طلبان و هم شکست هاشمی در برابر فردی ناشناس به نام محمود احمدی‌نژاد شد؛ فردی که به گفته مهدی چمران حتی خود اصولگرایان نیز تصور نمی‌کردند روزی رئیس‌جمهور ایران شود؛ «من سال‌ها در حوزه معماری و شهرسازی کار کرده بودم و با این عرصه آشنا بودم و سال‌ها هم بر طرح جامع تهران کار کرده‌ام. به همین دلیل ارتباط نزدیکی با آقای احمدی‌نژاد برقرار شد. چندی قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴، یعنی در راهپیمایی ۲۲ بهمن سال ۸۳، بنا شد با هم به راهپیمایی برویم. نزدیک میدان انقلاب جایی قرار گذاشتیم و با هم به سمت میدان انقلاب حرکت کردیم. مردم که ما را می‌دیدند، به سلام و علیک می‌پرداختند و به

## سخنگوی قوه قضائیه افشای اسناد محرمانه را جرم دانست

## پیگرد قضائی در انتظار علی لاریجانی؟!

مجلس دخالت داشته است. من از حضرت حجت‌الاسلام‌والمسلمین آقای ازهای، ریاست محترم قوه قضائیه، درخواست می‌کنم این مورد را در مورد این نامه اگر مشخص شود از ناحیه ایشان منتشر شده، فابل تعقیب و پیگیری است، ولی باید از سوی دستگاه‌های قضایی بررسی شود که این نامه‌ای که مهر محرمانه دارد، توسط چه کسی منتشر شده است. ذبیح‌الله خداییان در نشست خبری روز گذشته (۳۰ آذر) در پاسخ به پرسشی درباره انتشار نامه محرمانه در خصوص رد صلاحیت علی لاریجانی و اینکه آیا انتشار نامه محرمانه تبعاتی دارد یا خیر، گفت: افشای اسناد محرمانه به موجب قانون و آیین‌نامه طرز نگهداری اسناد سری و محرمانه دولتی، جرم محسوب می‌شود و اگر کسی آنها را به‌صورت غیرمجاز منتشر کند، قابل تعقیب است. درباره این نامه اگر مشخص شود از ناحیه ایشان منتشر شده، قابل تعقیب و پیگیری است؛ ولی باید از سوی دستگاه‌های اطلاعاتی بررسی شود که این نامه‌ای که مهر محرمانه دارد، توسط چه کسی منتشر شده است. در صورت شناسایی، شخص منتشرکننده قابل تعقیب است. البته روزنامه کیهان در گزارشی که در واکنش به افشای نامه شورای نگهبان نوشته، مدعی شده افشاشکننده نامه یک خارج‌نشین بوده است. در گزارش کیهان آمده است: «اخیرا نامه محرمانه شورای نگهبان به آقای لاریجانی (درباره دلایل عدم احراز صلاحیت وی در انتخابات ریاست‌جمهوری) و پاسخ وی به این نامه، در فضای مجازی منتشر شد. گفته می‌شود منتشرکننده نامه محرمانه و پاسخ آن، همان فرد (سعيد، ۱/۱ عناصر فراری مقیم فنلاند) و شبکه‌ای است که پیش از این، قابل صوتی و محرمانه مصاحبه آقای ظریف با مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری را درز داده و منتشر کرده بود.»

نامه‌ای که در هفت بند علت رد صلاحیت مشاور رهبری را توضیح داده است، با مهر محرمانه صبح شنبه منتشر شد و دلایل رد صلاحیت علی لاریجانی در آن، این‌گونه مطرح شده بود: «سهیم‌بودن در بخش‌هایی از نابسامانی و وضع نامطلوب موجود در دولت مستقر (دولت دوازدهم)، عدم رعایت اصل ساده‌زیستی، مسولان، سفرهای متعدد اعضای خانواده به خارج از کشور ازجمله اروپا و آمریکا و اقامت فرزند دیگری در آمریکا، مداخله یکی از فرزندان در قراردادهای خدماتی و ساختمانی مجلس شورای اسلامی در زمان ریاست بر مجلس و همچنین حمایت از افراد ردصلاحیت‌شده و اظهارات در موضوعات و مقاطع مختلف ازجمله حوادث سال ۱۳۸۸.»
در واکنش به این نامه، لاریجانی در نامه‌ای به دفاع از خود و انتقاد از روند شورای نگهبان در بررسی صلاحیتش پرداخته بود و همچنین از رئیس قوه قضائیه بررسی ادعاها درباره خانواده‌اش را درخواست کرده بود. در این نامه آمده بود: «در ادامه رد صلاحیت نگهبان گوش شنوا داریم و مطالب هرکسی فرزندام در قراردادهای خدماتی و ساختمانی

آقای احمدی‌نژاد می‌گفتند خودت بیا و برای ریاست‌جمهوری نامزد بشو. من در آن زمان این حرف را کاملاً معمولی می‌دانستم که حالا عده‌ای از شهردار چنین درخواستی را می‌کنند؛ اما بعدش احساس کردم این موضوع جدی شده است. آقای احمدی‌نژاد در فروردین سال ۸۴ به من گفت می‌خواهم نامزد ریاست‌جمهوری شوم. من با نامزدی او در انتخابات ریاست‌جمهوری مخالف بودم. آقای دکتر شیبانی که در شورای شهر بزرگ ما بود نیز به‌شدت مخالف بود و می‌گفت وقتی در مسئولیت شهرداری خوب کار می‌کنی، چه دلیلی دارد به ریاست‌جمهوری فکر کنی؟ از سوی دیگر، من گفتم امکان رأی‌آوری با وجود شخصیت‌های دیگر و فعالیت جناح‌های مختلف بسیار سخت است؛ اما آقای احمدی‌نژاد اصرار داشت که می‌خواهم نامزد شوم که در نهایت ما هم تصمیم گرفتیم همکاری کنیم.» عملاً دو عامل در شکست اصلاح‌طلبان در انتخابات ۸۴ نقش‌آفرین اصلی است؛ نخست سیاست سراسر اشتباه اصلاح‌طلبان در انتخابات، یعنی ورود با نامزدهای متعدد و دوم به نتیجه مشترک نرسیدن با هاشمی‌رفسنجانی از ابتدای انتخابات که اولی باعث شکسته‌شدن آرای اصلاح‌طلبان شد و دومی هم بر تفرق بیشتر آرا دامن زد و هم وقتی اصلاح‌طلبان در دور دوم انتخابات و رقابت میان احمدی‌نژاد و هاشمی از مخاطبان خود خواستند به هاشمی رأی دهند، این درخواست مورد پذیرش عمومی واقع نشد و انتظار هم نمی‌رفت سرمایه اجتماعی که سال‌ها از سوی نمایندگان سیاسی خود نقد هاشمی را شنیده است، نگاهان و صرفاً بر اساس یک درخواست تشکیلاتی پشت هاشمی بایستد. پس از آن انتخابات، اصلاح‌طلبان و هاشمی به هم نزدیک شدند و علاوه بر انتخابات ۸۸ در انتخابات ۹۲ نیز با هم به وفاقی کامل دست یافتند؛ اما هاشمی در سال ۹۲ برخلاف تمام پیش‌بینی‌ها رد صلاحیت شد. پس از فوت هاشمی و در سال‌های اخیر، گرچه نیروهای نزدیک به او مشخصاً در کارگزاران خود را کاملاً در قالب اصلاح‌طلبی معرفی می‌کنند، باز هم شاهد اختلاف‌هایی میان دو طیف راست و چپ اصلاحات هستیم و کوپی با فوت هاشمی، این اختلاف‌ها، مشخصاً درباره نحوه ورود به سیاست در شرایط کنونی، به چشم می‌خورد؛ در موضوعاتی مانند جایگاه سیدمحمد خاتمی در جبهه اصلاحات، شیوه ورود به انتخابات، نحوه مواجهه با سرمایه اجتماعی و… که همه اینها چنین به ذهن متبادر می‌کنند که کوپی اختلاف‌های دهه ۷۰ چپ و راست همچنان زنده است؛ هرچند برای هر دو گروه، فضای کلی سیاسی آن‌قدر محدود و بسته است که شاید اگر به وفاق برسند یا نرسند، دست‌کم در مقطع کنونی، از سوی سرمایه اجتماعی اصلاحات و نه از سوی نهادهای نظارتی، مسیر برای ورود دوباره به قدرت سیاسی چندان هموار نیست.

تهدید احتمال پیگرد قضائی مواجه شده است و خبری از بررسی صحت ادعاهایی که منجر به رد صلاحیت او شده نیست. البته در این بین بسیاری «در این شرایط سخت اقتصادی و بیماری کرونا چنین موضوعی را بیگیری می‌کنم، مهم‌تر از جنبه شخصی، جنبه عمومی و اجتماعی آن است؛ چنان‌که بسیار محتمل است این نحوه رفتار در انتخابات آینده تکرار شود و در نتیجه ساختار مردم‌سالاری در کشور و طبعاً عدالت اجتماعی لطمه خواهد دید.»
باین‌حال، در مقابل این سخنانش، فعلاً با

## خبر

## آخرین وضعیت طرح صیانت

● مهر: سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گفت: مردم تمایلی ندارند که فضای مجازی ما از سوی دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران مدیریت شود.
حجت‌الاسلام مجید نصیریای درباره آخرین وضعیت طرح حمایت از حقوق کاربران در فضای مجازی، گفت: طرح حمایت از حقوق کاربران در فضای مجازی به‌هیچ‌وجه از دستور کار مجلس شورای اسلامی خارج نشده است. او درباره علت ارجاع طرح مذکور به مرکز پژوهش‌های مجلس، افزود: هدف از ارجاع طرح حمایت از حقوق کاربران در فضای مجازی به مرکز پژوهش‌های مجلس آن است که فضای مجازی در نگاه‌های جدید دولت و دیگر بخش‌های مرتبط با فضای مجازی نیز در طرح مذکور مورد توجه قرار گیرد.
سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: خوشبختانه دولت و مجلس با یکدیگر مبانی و رویکردهای مشترک دارند و اعتقادشان بر این است که فضای مجازی در کشور ما کاملاً پله و رهاست و بسیاری از خانواده‌ها نیز علاقه‌مند نیستند که فضای مجازی به این شکل و بدون در و پیکر باقی بماند. او اظهار کرد، ما به دنبال آن هستیم که از حقوق کاربران ایرانی در فضای مجازی دفاع کنیم و به‌زودی و پس از اخذ نظرات کارشناسی و قوی و دقیق‌ترشدن طرح مذکور در مرکز پژوهش‌های مجلس، بررسی مجدد این طرح در کمیسیون مشترک طرح حمایت از حقوق کاربران در فضای مجازی ادامه می‌یابد.

## اخذ مجوز برای برگزاری راهپیمایی نظام‌مند شود

● ابرنا: رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی، گفت: طرح نحوه تشکیل جمععات و برگزاری راهپیمایی‌ها به دنبال تبیین چارچوب و ضوابط تبیین اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی است.
محمدصالح جوکار، رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها، در گفت‌وگویی با اشاره به تهیه طرح نحوه تشکیل جمععات و برگزاری راهپیمایی‌ها، گفت: بحث جمععات باید نظام‌مند شده و ضوابط برای اخذ مجوز جهت برگزاری راهپیمایی تبیین شود. رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها افزود:این طرح به دنبال تبیین چارچوب و ضوابط برای درخواست تجمع و اخذ مجوز آن براساس اصل ۲۷ قانون اساسی است تا جمععات و برگزاری راهپیمایی‌ها قانون‌مند شوند. جوکار بیان کرد: در این طرح محل برگزاری جمععات، چگونگی چارچوب شعارها، مدت‌زمان، اهداف و اقدامات مشخص شده است؛ بنابراین در صورت تصویب این طرح، نظام خوبی در بحث اعتراضات و راهپیمایی‌ها خواهیم داشت.
بهتر است جمععات محدوده زمانی خاص داشته باشند، همچنین مکانی برای این کار در نظر گرفته شود.

<b>برگ سبز و بنچاق خودرو جک S5</b> <b>رنگ سفید روغنی</b> <p><b>مدل ۱۳۹۶</b> به شماره پلاک <b>ایران ۸۸_ ۹۸۱ ۲۹۵</b> و شماره موتور<b>NAAR03FE2MJ421108</b> و شماره پلاک <b>۳۳</b> کال ۴۹۸ ایران <b>۱۸</b> بنام <b>حسن شکیب پرور</b> مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	
<b>کارت دانشجویی اینجناب پرنیا زیرانی</b> با شماره دانشجویی <b>۹۳۲۱۳۰۷۷</b> از دانشگاه شهید بهشتی تهران رشته برق کنترل در مقطع کارشناسی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	
<b>برگ سبز خودرو پژو پارس XU7</b> <b>رنگ سفید روغنی</b> <p><b>مدل ۱۳۹۳</b> به شماره پلاک <b>ایران ۲۱_ ۵۳۹_ ۷۶</b> و شماره موتور<b>124K0380967</b> و شماره شاسی <b>NAAN01CA3EH114727</b> به نام <b>علی سهرابی</b> مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	
<b>گواهی می شود فاکتور بلوک سیلندر</b> <b>به شماره ۹۵۱۵۸۱۶۴۳</b> و به شماره موتور <b>۳۰۸۵۰۷۹۹۷</b> مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	
<b>مدرک فارغ التحصیلی اینجناب الهام اشری</b> <b>فرزند مرتضی</b> به شماره شناسنامه <b>۸۲۲۹</b> صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته دبیری زبان و ادبیات فارسی صادره از واحد دانشگاهی ورامین - پیشوا با شماره <b>۲۰۵۰۱</b> و تاریخ <b>۱۳۸۹/۰۹/۱۷</b> مفقود گردیده است. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین - پیشوا به نشانی تهران، شهرستان پیشوا، شهرک نقش جهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین - پیشوا ارسال فرماید.	

**مدرک فارغ التحصیلی اینجناب محمد محمد شاه‌ی**

**فرزند مطلب** به شماره شناسنامه **۴۱۹۵** صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مهندسی مواد صادره از واحد دانشگاه نجف آباد با شماره **۵۰۷۲۲۳۵۰** /**۸۴۱۵۰** /**۸۴/۱۲/۸۴** مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک رابه دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد ارسال نماید.

که او نقد داشته باشد، می‌نشویم.